

# تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی، کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلاب، ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر شماره 198 یکشنبه 30 فروردین 1383 --- 18 آوریل 2004

## درگیری خونین مردم شهرک " امیدیه " تهران با عوامل اطلاعات سپاه پاسداران

بر اساس گزارش دریافتی از تهران، در جریان درگیری مردم شهرک امیدیه با ماموران اطلاعات سپاه، اکبری معاون فرمانده اطلاعات سپاه پاسداران با شلیک گلوله به دهان یک جوان 18 ساله به نام "ستوده" وی را به شدت مجروح کرده است. این جوان اکنون در بیمارستان پاسارگاد تهران در تقاطع طالقانی - شریعتی در بخش CCU بسر می برد. گزارش دریافتی حاکیست که اکبری جنایتکار در قتل های سیاسی موسوم به قتل های زنجیره ای پانیز 77 نیز دست داشته است. بنا بر همین گزارش، در جریان درگیری مردم امیدیه با ماموران اطلاعات، مردم خشمگین که زمین هایشان توسط سپاه غصب شده بود با استفاده از بولدزر، دیوار کشیده شده توسط اداره اطلاعات را خراب نمودند و یک تانکر بزرگ گازونیل را نیز به آتش کشیدند. بدنبال اوج گیری این درگیریها، سردار مرتضی طلایی فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ سراسیمه به صحنه آمد و به مردم وعده داد که به مشکل آنها رسیدگی خواهد شد. آخرین خبرها حاکیست که مردم منطقه امیدیه تهران تهدید کردند اگر اطلاعات سپاه زمین های غصبی را پس ندهد، باز هم دست به اعتراض خواهند زد.

## به استقبال روز جهانی کارگر بشتابیم!

= قطعهنامه مراسم اول ماه مه در سالهای 58 و 82 =  
امیرجواهری ص 2



رژیم اسلامی تنها با راهپیمایی " خانه کارگر " موافقت کرد  
= مسیر تظاهرات : از میدان مخبرالدوله تا بهارستان =  
ادامه خبر در صفحه 3

### دیدگاه

نگاهی به پدیده های  
انقلاب و فرم - (3)  
فرامرز دالور ص 8

### هزینه انتقام!

گزارش : Michael Wrase  
برگردان آزاد : علی یوسفی

منبع : روزنامه آلمانی زبان " تاگ بلات "

ادامه عملیات انتقام جویانه آمریکا در عراق، به احتمال زیاد به متحد شدن عراقی ها خواهد انجامید.  
در عملیات ارتش آمریکا در شهر فلوجه حداقل 600 نفر کشته شدند. اکنون بی آن که یکی از طرفین نزاع قصد داشته باشد چهره خود را از دست بدهد، مذاکرات آتش بس در جریان است.

بقیه در صفحه 10

### دیدگاه

آیا " تجمع پاریس " می خواهد تجربه  
" همایش برلین " را تکرار کند!؟

= بخشی پیرامون ملزومات واقعی اتحاد  
جمهوریخواهان لائیک و دمکرات =  
قسمت سوم

\* تابوی تفکیک قوا \*

آرش کمانگر ص 6

## گلوبالیزاسیون، حاکمان تازه جهان!

خلاصه ای از کتاب جان زیگلر

منبع : سایت الجزیره ترجمه : احمد مزارعی

تاکنون کتابها و مقالات فراوانی در مورد گلوبالیزاسیون، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و از همه مهمتر سازمان تجارت جهانی به رشته تحریر درآمده که هر کدام عمیقانه جوانب از این سازمانهای جهانی را مورد بررسی قرار داده اند، اما کتاب تازه "جان زیگلر" با عنوان "حاکمان تازه جهان" ص 4

## به استقبال اول ماه مه (روز جهانی کارگر) بشتابیم! (3)

امیرجواهری لنگرودی

### اسناد سخن میگویند!

دست پیدا کردن به آرشيو روزنامه ها و نشریات کشوری تواند، زبان گویای رخدادها و تحركات اجتماعى و تبیین آن با شرایط موجود تلقى گردد.

ما برای نشان دادن مطالبات کارگران درطى این سالها یعنی بعد از انقلاب بهمن 1357 به اینسو، با گزینش دو قطعنامه ازتجمع کارگران درروزهای اول ماه مه (سه شنبه یازده اردیبهشت



1358 و پنجشنبه یازده اردیبهشت 1382) با وجود گذشت 24 سال فاصله زمانى این تجمعات ازهمدیگر ، به موجب ارائه این اسناد بابرشماری تشابه مطالبات کارگران بدون کمترین تفسیر و تغییری\_کوشش می ورزیم درخواستهای زنان و مردان کارگروزحمتکش ایران را علیرغم بیش ازدوده کاروبیکار آنان با رژیم جمهوری اسلامی، به پیش صحنه آوریم و با نشان دادن همسانی این مطالبات طى این سالها با یکدیگر، برآنیم تا زمانى که این نظام ضد کارگری درمقابل کارگران و جانبداران نیروی رنج و کار برسرپا است ، تشابه مطالبات معوقه مزد و حقوق بگیران کشور نیز پابرجاست!

هرچند وجود تشابه میان خواسته های سالهای پیشین کارگران با امروز ، به نوعی تکانهنده و اعصاب خردکن است. درشرایطى که ثروتمندان ایران، زندگی های پرونق برای خود برپا میکنند، وضعیت زندگی اکثریت کارگران و زحمتکشانشان کارگران نساجى، نفت، پتروشیمی، بیمارستانى، تولیدموادغذایى ، چاپگران و حروف چینان، معدنچیان، کفاشان و دوخت و دوزگران، کارگران راه آهن ، شهرداریها و کارمندان دفتري و آموزگاران و غیره ( وحشتناک و مصیبت باراست، شرایط زندگی روزمره بویژه سفره خالى آنان، خجل دربرابر عدم پاسخگویی به نیاز فرزندان، اجبار به پرداخت اجاره های سرسام آورمسکن ، هزینه زندگی و غیره، حتى بدتر از شرایط کاردرمحیط کارخانه است.

درايران اسلامی به مانند همه نظامات سرمایه داری، ثروت را تنها نشانه ی سخت کوشی صاحبان آن بشمار میآورند و فقرا تنها نشانه تنبلی وید کاره گی افراد میدانند و به مانند کارگزاران

ریزودرشت نظام فریاد بر میدارند: همین 10 درصد گردن کلفت برای گردش سرمایه کافی است، نیازی نیست دلواپس فقراکثريت جامعه باشیم، چراکه تقصیرخود آنهاست.

برماست که با اشاره به این همه نقشه مندى مقاومت کارگران موانع سازمانیابی کارگران در برابر رژیم سرمایه داری موجود رابشرماریم و به نقش و وظیفه خود درخارج از کشورتا حدی واقف گردیم و اوضاع کشوررابرای تضعیف و حکومت ناپذیرکردن این نظام ، بیش ازپیش تشدید کنیم!

روزنامه کیهان، چهارشنبه 12 اردیبهشت 58، شماره 10697، ص 6 مفادی از قطعنامه جشن اول ماه مه کارگران را بشرح زیربرمی شمارد: (\*1

- ما خواهان تغییر قانون کارسود کارگران هستیم  
- ما خواهان مسکن مناسب برای کارگران وزحمتکشان هستیم

- ما خواهان تامین کاربرای کارگران بیکار هستیم  
- ما خواهان منع بهره کشی از کارکودکان هستیم  
- ما خواهان دستمزد مساوی دربرابرکار مساوی برای زنان کارگر هستیم

- ما خواهان تامین حق اعتصاب برای کارگران هستیم  
- ما خواهان فعالیت سندیکایی هستیم  
- ما خواهان شرکت کارگران دراداره امورموسسات صنعتی وکشاورزی هستیم

\_ما خواهان رفع تبعیض حقوق بین کارگران موسسات دولتی وخصوصی هستیم

\_ما خواهان حمایت کامل دولت از صنایع داخلی هستیم  
\_ما خواهان منع ورود کالاهایی هستیم که تولید مشابه آنها درداخل کشور امکانپذیر است

\_ما خواهان جلوگیری از تعطیل تولید تحت هرعنوانی هستیم

مجله آوای کار شماره 7 (6، مهر 82 ، ص 11) نیز مراسم اول ماه مه در فرهنگسرای ورزش ( بهمن سابق) را گزارش میدهد، دراین مراسم مطالبات کنونی کارگران که دربروشوری نیز آمده بود بشرح زیرخوانده شد:

\_به رسمیت شناختن حق تشکل کارگران

\_به رسمیت شناختن حق اعتصاب

\_اقدام عملی وگسترده دردفاع ازصلح جهانی ومقابله جدی با اقدامات جنگ طلبانه دولت های امپریالیستی به ویژه دولت ایالات متحده آمریکا به منظور جلوگیری ازبروز وتکرار فاجعه بارحنگ های آتی.

\_تضمین امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت کار به منظور جلوگیری از اخراج های بی رویه ی کلیه ی مزد و حقوق بگیران و جایگزینی قراردادهای دسته جمعی و بلند مدت تحت حمایت قانون کار و تضمین قانون آن درکلیه شرکت ها و موسسات خصوصی و دولتی .

\_لغو فوری مصوبه شورای عالی کار درمورد خارج کردن کارگاههای دارنده زیر 10 نفر شاغل از شمول 30 ماده ازقانون کار .

\_ایجاداشتغال و افزایش مقرری بیمه بیکاری متناسب با هزینه های یک خانواده کارگری

\_افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم برای تامین هزینه های یک خانواده کارگری و اصلاح نظام تعیین دستمزد به گونه ای که نظرنمایندگان واقعی کارگران و همچنین کارشناسان اقتصادی مورد اعتماد کارگران به نحوی موثر ملحوظ گردد

## رژیم اسلامی تنها با راهپیمایی "خانه کارگر" موافقت کرد = مسیر تظاهرات : از میدان مخابرات دوله تا بهارستان =

کارگرانی که قصد راهپیمایی در روز جهانی کارگر را دارند، می بایست فقط تحت کنترل تشکل وابسته به رژیم (خانه کارگر) شرکت کنند و برای راهپیمایی مستقل ممنوع بوده و سازماندهندگان آنها با سرکوب و پیگرد مواجه خواهند شد. مسیر راهپیمایی دولتی "خانه کارگر" از ابتدای میدان مخابرات دوله تا میدان بهارستان خواهد بود.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، استانداری تهران در پاسخ به اداره کل سیاسی وزارت کشور و کمیسیون ماده 10 قانون احزاب، با درخواست خانه کارگر جهت برگزاری راهپیمایی در روز جهانی کارگر موافقت کرده است.

استانداری تهران، همچنین زمان برگزاری این مراسم را از ساعت 9 تا 11 صبح روز جمعه 11 اردیبهشت ماه تعیین کرده است. این استانداری، مراقبت از مراسم و تهیه طرح ترافیکی و امنیتی این روز را برعهده نیروی انتظامی گذاشته است.

همچنین استانداری تهران، مسوولین خانه کارگر را متعهد به حفظ نظم و آرامش در راهپیمایی روز جهانی کارگر نموده و از خانه کارگر درخواست کرده است تا ضمن هماهنگی با ارگان‌های مسوول، جزئیات برگزاری این مراسم از قبیل متن شعارها و سخنرانان را معرفی و مشخص کند.

طبق گزارشات دریافتی، فعالین جنبش مستقل کارگری قصد دارند علیرغم تضيیقات رژیم، مراسمهای مستقل خود را برپا کنند. این احتمال نیز پیش بینی میشود که راهپیمایی دولتی نیز به ضد خود تبدیل شده و بر خلاف میل گردانندگان خانه کارگر، بدل به یک میتینگ اعتراضی علیه سیاستهای ضدکارگری رژیم شود، پدیده ای که در سالهای گذشته نیز شاهد آن بودیم.

## تجمع کارگران کارخانه الکتریک رشت در مقابل سازمان صنایع و معادن گیلان

بیش از صد نفر از کارکنان و کارگران کارخانه الکتریک رشت پیش از ظهر سه شنبه، با تجمع در مقابل سازمان صنایع و معادن استان گیلان خواستار رسیدگی به مشکلات خود و رفع آنها در کوتاه‌ترین زمان ممکن شدند.

به گزارش خبرنگار کار و اشتغال خبرگزاری ایسنا، یکی از کارگران بخش تولید این واحد صنعتی گفت: «این کارخانه با حدود 550 نفر کارگر یکی از بزرگترین واحدهای تولید کلید و پرز ساختمان است که از سال 64 سیر نزولی تولید داشته و این مشکل بنا به شرایطی که مدیران وقت ایجاد کرده بودند ادامه پیدا کرد و هم‌اکنون این واحد کاملاً منفعّل و خارج از تولید است.»

وی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا ادامه داد: «کارگران خواهان پرداخت حقوق معوقه و عقب‌افتاده خود از بهمن‌ماه سال 82 هستند. همچنین بیمه کارگران از حدود هفت ماه پیش پرداخت نشده است و دفترچه‌های بیمه آنها نه تعویض و نه تمدید شده است.»

یکی دیگر از کارگران در زمینه مشکلات این واحد گفت: «ما خواهان مشخص شدن تکلیف مدیریت کارخانه و وضعیت کارگران آن هستیم. خریداران تاکنون به هیچ یک از تعهدات خود در کمیسیون استانداری عمل نکرده‌اند در این زمینه تمام مسئولان، استانداری، فرمانداری، وزارت صنایع با ما موافق هستند اما هیچ اقدامی از جانب آنها صورت نگرفته است.»

## به استقبال روز کارگر .....

\_تأمین مسکن برای کارگران  
\_تحت شمول قانون کار قرارداد همه کارگران بدون استثناء  
\_ولغو قوانین تبعیض آمیز در این مورد

\_برابری دستمزد کارگران زن و مرد در مقابل کار مساوی  
\_ایجاد فرصت برابر در استخدام برای زنان و مردان کارگر

\_امکان ارتقاء شغلی برای زنان کارگر  
\_بفرقاری مستمری پس از فوت زنان کارگر برای فرزندان آنان  
\_وتسری حق عائله مندی به زنان کارگر.

\_اصلاح نظام تأمین اجتماعی و گسترش قوانین حمایتی از کارگران و به رسمیت شناختن حق نظارت نمایندگان واقعی کارگران بر مدیریت سازمان تأمین اجتماعی.

\_بازرسی جدی و مستمر مزایای محیط های کار و وادار کردن کارفرمایان به رعایت حقوق کارگران

\_افزایش حقوق و اختصاص خدمات حمایتی متناسب با نرخ متغیر تورم برای کارگران بازنشسته

\_لغو هر نوع رانت خواری با استفاده از ابزار خصوصی سازی و جلوگیری از حراج نمودن امکانات تولیدی کارخانجات.

\_تدوین برنامه های متضمن حمایت از جامعه کارگری در مقابل پدیده جهانی سازی به منظور به حداقل رساندن آسیب های اجتماعی این پدیده.

\_اصلاح قانون بازنشستگی پیش از موعد و حذف موانع موجود در راه بازنشسته شدن کارگرانی که کارهای سخت و زیان آور انجام می دهند.

\_ممنوعیت بهره برداری از نیروی کار کودکان و تأمین کمک هزینه تحصیلی و امکانات آموزشی و تحصیلی رایگان برای کودکان کارگر.

\_ما همگام با جنبش جهانی صلح خواهی، با جنگ و خون ریزی و کشتور گشایی به هروسيله ای مخالف بوده و خواهان به رسمیت شناختن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی در چهارچوب منشور ملل متحد هستیم.

\_ما بر این باوریم که جهانی سازی، شکل جدید گسترش قلمرو نفوذ سرمایه جهانی است، بنابراین ضمن مخالفت با آن، خواستار آنیم که دولت، برنامه های مدونی را تنظیم و ارائه نماید که مضمن حمایت از جامعه کارگری و به حداقل رساندن آسیب های اجتماعی این پدیده باشد\* (2)

## پانویس

\* (1) توجه:

این قطعنامه بیان مطالباتی همه سازمانها\_احزاب\_گروهها(وتجمعات کارگری موجود در جامعه ایران 24 سال پیش را نمایندگی نمی کند، چرا که در آنروز چندین تجمع شکل گرفت و هر یک از آنان قطعنامه خود را ارائه دادند.  
\* (2) توجه:

بزرگداشت روز جهانی کارگر که توسط انجمن فرهنگی حمایتی کارگران، روز هیجدهم اردیبهشت ماه 82 برگزار گردید. این مراسم با حضور تعداد زیادی از کارگران به همراه خانواده هایشان، فعالین و پیش کسوتان سندیکایی، عده ای از بازنشستگان و مسئولین قانون بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی، گروهی از نویسندگان، هنرمندان، علاقه مندان، متفکرین و صاحب نظران فرهنگ و مسائل کار و کارگری در محیطی گرم و صمیمی برگزار گردید که ما تنها به ارائه قطعنامه آن بسنده کردیم.

ادامه از صفحه یک

ادغام این دو شرکت موجب بیکاری ده ها هزار کارکنان این دو شرکت میشود. مدیر این شرکت مبلغ 230 میلیون دلار سود به جیب میزند.

این غارتگری و حیف و میل صاحبان شرکتهای جهانی فقط شامل حال میلیونها انسان کارگر و زحمتکش نشده، بلکه در مواردی در مورد خود این شرکتها نیز به نوعی اعمال میگردد. برای مثال، رئیس شرکت هواپیمایی کشور سوئد، در ضمن قرارداد خود در شرکت شروطنی را میگذارد که اگر موسسه به علت سوء مدیریت دچار ورشکستگی شد، مدیر و اطرافیان وی نباید زیان ببینند. آقای "ماربو کورتی" رئیس شرکت هواپیمایی سوئد پس از ورشکستگی این شرکت مبلغ دوازده و نیم میلیون دلار برای خدمات پنج سال آخر خود مزایا دریافت داشت. این نشان میدهد که این آقای رئیس که چنان شرایطی را به هنگام عقد قرارداد با شرکت میگذارد، از پیش از ورشکست شدن شرکت آگاهی داشته است. این بند و بست ها و حیف و میل اموال شرکت در حالی انجام میگردد که هزاران نفر از کارکنان این شرکت از تمام حقوق و مزایای بازنشستگی خود محروم مانده اند؛ مزایایی که نتیجه سالهای سال کار آنان بوده است. بنابه نوشته مجله "لوموند" در نتیجه ادغام دهها شرکت بزرگ، میلیونها انسان کار خود را از دست داده اند، و این در حالی بوده که از نظر اقتصادی نیاز به ادغام این شرکتها نبوده است. تنها به علت عظمت طلبی و در نظر گرفتن مصالح شخصی مدیران این شرکتها، این فجایع به بار آمده است. زیان حاصله از این ادغامهای غیرضروری مبلغی نزدیک به هفتصد و بیست میلیارد دلار بوده است.

رئیس شرکت "انرون" که یکی از ده شرکت بزرگ آمریکایی است که مخارج انتخاباتی جورج بوش را در انتخابات اخیرش تأمین کردند، پس از ورشکست شدن مبلغی در حدود دو بیست و پنج میلیون دلار کمک از دولت دریافت داشت. این شرکت پس از انتخاب جورج بوش در قراردادهای نفتی بسیاری در سراسر جهان به طور ناروشنی برنده گردید. ورشکستگی بعدی این شرکت نیز نتیجه زد و بندهای سیاسی و نامعلوم و در جهت غارت دسترنج دهها هزار نفر کارگرانی بود که پس انداز خود را در این شرکت برای دوران پیری به ودیعه گذاشته بودند.

### مزدوران

قصد مولف کتاب از "مزدوران" ستونهای اصلی است که گلوبالیزاسیون بر آنها استوار است. این ستونها عبارتند از: سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی. "سازمان تجارت جهانی" رونق دهنده اصلی بازرگانی بین کشورهای جهان است. این سازمان میکوشد تا قراردادهای بازرگانی را میان کشورها تنظیم نماید. اما باید گفت که اگرچه این سازمان میکوشد که خود را تشکیلاتی صرفا بازرگانی بنمایاند، اما در عمل و نتیجه چنین نیست. این سازمان از قدرت زیادی در امر قضاوت و تحکم برخوردار است.

در درون سازمان تجارت جهانی تاکنون دولت آمریکا بیشترین شکایات را علیه خود داشته و پنجاه مورد آن از طرف سازمان تجارت جهانی مورد قضاوت قرار گرفته است. قراردادهایی که میان سازمان تجارت جهانی و کشورهای جهان منعقد میگردد بسیار پیچیده و در موارد بسیاری بدبینانه است. شروط و مواد این قرارداد طوری است که میشود تفسیرهای گوناگونی از آن داشت به طوری که بسیاری کشورها در حالی

## گلوبالیزاسیون .....



با دید دیگری به موضوع مینگرد. در این کتاب تاریخ گلوبالیزاسیون و سایر سازمانهای جهانی، نقش آنان در برآورده ساختن مصالح و منافع صاحبان و مالکان اصلی و قدرتمند این موسسات در

بازار جهانی، مورد بحث قرار گرفته است. در این کتاب همچنین از نقش جامعه مدنی در عرصه بین المللی و مبارزه آنان علیه گلوبالیزاسیون و بویژه سازمان تجارت جهانی به درستی یاد شده است.

### تاراجگران

"کمیته کار ملی" سازمانی است که وظیفه اش تحقیق در مورد اجرت ها و قیاس آنان در کشور است. این کمیته بویژه در مورد شرکتهای بزرگ و بین المللی تخصص ویژه ای دارد. در یکی از گزارشات این کمیته چنین گفته میشود: "رئیس یک شرکت تولید لباس و پیژاما برای کودکان به نام "میشال آیزن" که در "هائیتی" مشغول به کار است، حقوقی معادل ده هزار برابر کارگر بومی این شرکت دریافت میدارد. کارگر بومی کشور "هائیتی" حقوقی معادل کمتر از یک دلار دریافت میدارد. این شرکت در عین حال وابسته به کمپانی بزرگ "والث دیزنی" در آمریکا است. همین شرکت چندی پیش مشغول ساختن فیلمی بود که سگها در آن نقش فراوانی داشتند. این سگها در همان کشور "هائیتی" در محلی نگهداری و مراقبت میشدند. وضع عمومی معیشتی این سگها به مراتب بهتر از کارگران بومی بود که از این سگها مراقبت میکردند. در حالی که کارگران بومی در کشور خود از داشتن مسکن مناسب، خوراک و پوشاک و تهویه مناسب محروم بودند، اما سگها در "ناز و نعمت" به سر میبردند.

این مثالی از صدها نمونه ای است که ما به علت حاکمیت "سازمان تجارت جهانی" در همه جای جهان شاهد آنیم. گلوبالیزاسیون و سازمان تجارت جهانی، ثروت فاحش و فقر نابودکننده را به طور مستمر باز تولید مینماید. از نظر مولف کتاب "داروینیسیم" اجتماعی هیچگونه توجهی نسبت به جوامع فقرنده و میلیونها انسان فقیر نداشته و هیچ موجبی و مکانی برای اخلاقیات در این رابطه اجتماعی وجود ندارد.

در سال 1997 یکی از مدیران شرکت "ایستمن کداک" تصمیم گرفت شرکت خود را تعطیل کند. این تصمیم موجب بیکار شدن چند ده هزار تن از کارکنان و کارگران شرکت کداک گردید. در نمونه دیگری، "سانفور روپال" رئیس "Travels" تصمیم میگیرد این شرکت را با کمپانی دیگری به نام "Citicorp" ادغام نماید.

ادامه از صفحه 4

## گلوبالیزاسیون .....

که قراردادها و مقابله نامه های سازمان تجارت جهانی را امضا میکنند، به درستی مفهوم قراردادها را نمیدانند و پس از مدتی خود را در اسارت و سلطه شرکتهای چند ملیتی میبینند.

در گزارش مربوط به حقوق بشر سازمان ملل در سال دو هزار تحت عنوان "بحث اساسی پیرامون تجارت و استثمار بین المللی" چنین آمده است: "سازمان تجارت جهانی W.T.O به طور کامل زیر نفوذ شرکتهای بزرگ چند ملیتی و بین المللی است."

به نظر میرسد که اجرای برنامه های سازمان تجارت جهانی رعب انگیز است. گزارش صادرات و واردات این سازمان حقیقت قضا را بروز نمیدهد. قطعه فرش فاخر و گرانبهائی که در "شانزه لیزه" پاریس به معرض فروش گذاشته میشود و محصول کشور پاکستان میباشد، به دست کودکان زیر پانزده سال به اجرت بسیار ناچیز بافته شده که چشمان خود را نیز از دست داده اند.

بانک جهانی وامهای خود را از طریق چند موسسه زیرنفوذ همچون، بانک جهانی بازسازی و توسعه، مجموعه توسعه بین المللی، شرکت مالی بین المللی وکلای چند جانبه ای که مسئولیت سرمایه گذاری را به عهده دارند، در اختیار کشورها قرار میدهد. بانک جهانی سلطه قدرتمند و نامحدودی را داراست. این بانک تصمیم میگیرد که به چه کشوری و با چه شرایطی و برای چه نوع تولیداتی وام بپردازد. بانک جهانی در روابط مالی خود با وامداران مقررات بسیار سختگیرانه ای دارد. در هنگام عقد قرارداد از هرگونه شرایط سیاسی پرهیز نموده و مقررات براساس "توافق واشنگتن" انجام میگیرد.

بانک جهانی گزارشی سالانه نیز از فعالیتهای خود و اوضاع جهانی منتشر مینماید که مورد احترام و اعتماد موسسات دانشگاهی و تحقیقاتی قرار میگیرد. اما در سالهای اخیر این گزارشات ناموفق بوده است. زیرا بانک در فعالیتهای خود همیشه جوانب صرفه اقتصادی را در نظر میگرفته. این بانک در زمینه های توسعه انسانی، حقوق بشر و خدمات انسانی کارنامه خوبی نداشته و به همین علت مورد انتقاد "باشگاه رم" در ایتالیا قرار گرفته است. به این علت بانک جهانی اخیراً شیوه گزارش دهی خود را تغییر داده و بخشها نیز به مسائل انسانی و اجتماعی پرداخته است. اکنون گزارشات خود را تحت عنوان "توسعه اقتصادی و اجتماعی" منتشر مینماید. در سال 2002 رئیس بانک جهانی در سازمان ملل حضور یافت و به برخی پرسشها پاسخ گفت. وی در برابر این پرسش قرار گرفت که آیا کمکهای مالی که برای توسعه در اختیار کشورها قرار میگیرد، در اختیار فقیران قرار داده میشود یا نه؟ و آیا این وامها تغییری در زندگی محرومان جوامع ایجاد مینماید؟ پاسخ وی این بود که نمیدانند. از این زمان بانک برنامه ای را برای مبارزه با "فساد" در دستور کار خود قرار داد.

در درون صندوق بین المللی پول از یک نوع "دموکراسی" ویژه نیز پیروی میشود. در میان یکصد و هشتاد و سه عضو این سازمان هر کس براساس مقدار سهم خود در سرمایه گذاری حق رای دارد. در این میان دولت آمریکا به تنهایی هفده درصد آرا را به خود اختصاص میدهد.

میشود گفت که صندوق بین المللی نقش یک نیروی آتش نشان را در جامعه جهانی بازی میکند. ولی باید گفت که حتی این ارگان آتش نشان در مواقع بسیاری به وظیفه خود به درستی عمل نکرده و توانسته آتش براهروخته را خاموش و از سوخته شدن اعضا جلوگیری کند. نمونه بارز آن حریق عظیمی که در آمریکای لاتین افتاد و آزارتین در این میان کاملاً سوخت.

## ظهور نیروی تازه در جامعه جهانی

در مقابل گلوبالیزاسیون، بانک تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول که اهدافی جز غارتگری و حیف و میل اموال عمومی و تخریب محیط زیست در جهت اغراض سودپرستانه خود ندارند، نیروهای تازه ای به منصف ظهور رسیده که سرسختانه در اینجا و آنجا علیه این تجاوزات

آشکار به مبارزه برمیخیزد. در سال 2001 نزدیک به سیصد هزار نفر که از طرف یک هزار اتحادیه سندیکا و سازمانهای اجتماعی نمایندگی و متعلق به 82 کشور جهان بودند، در شهر "جنوا" در ایتالیا و در اعتراض به اجلاس سران G8 گرد آمدند. در سال 2002 جمعیتی بیش از ششصد هزار نفر به نمایندگی از یک هزار اتحادیه و سندیکا و پنج قاره جهان در برزیل گرد آمده و مانع از آن شدند تا سران سازمان تجارت جهانی و . . . بتوانند مصوبه های ظالمانه خود را علیه میلیاردها انسان در سراسر جهان به تصویب رسانند.

این نیروهای تازه که به تازگی و برای دفاع از زندگی انسانی سربرآورده چیست و از چه سازمانها و ارگانهای تشکیل شده است؟ تشکیلات تازه از گروهها و جمعیت های گوناگونی به وجود آمده که به برخی از آنان اشاره میشود: سازمانهای کارگری، اتحادیه ها و سندیکاها، جنبش های کشاورزان، سازمانهای زنان، جمعیتهای محلی و شهروندان مختلف همچون سرخ پوستان، ارگانهای غیرانتفاعی "NGO"، سازمان غیردولتی "اتاک" که هدفش مبارزه با نوع مالیاتهایی است که به زیان شهروندان فقیر است، سازمانهای مذهبی مسیحی که هدفشان لغو بدهیهای کشورهای فقیر است، این سازمانهای مسیحی موفق شده اند تا هفده میلیون امضاء برای خواسته خود از شهروندان سراسر جهان گرد آورند، سازمان فقیران در تایلند که نیم میلیون کشاورز را دربرمیگیرد، شبکه گسترده جهان سوم در مالزی که از سازمانهای متعدد مبارزاتی تشکیل میشود، به اضافه سازمانهای تخصصی دیگری مربوط به کودکان، تغذیه و کمک رسانی جهانی، همچنین بسیاری سازمانهای بین المللی و منطقه ای که مستقیماً با این گروهها همکاری ندارند، ولی از خواسته های اینان غیرمستقیم دفاع میکنند همچون سازمان عفو بین الملل.

## راد یو صدای کارگران گشایش یافت !

این رادیوی مستقل به همت شماری از فعالین جنبش چپ و کارگری ایران، چند هفته ای است که کار خود را آغاز نموده است.

در حال حاضر این رادیو هفته ای یکبار - هر جمعه - از طریق ماهواره برنامه های خود را پخش میکند که در عین حال ضبط شده آنها میتوانند از طریق شبکه جهانی اینترنت نیز گوش دهید. مشخصات رادیو چنین است:

**ساعت پخش: 7 عصر به وقت اروپای مرکزی - 8:30 شب به وقت ایران**

**ماهواره: هات برد، 13 درجه شرقی، پلوریزاسیون عمودی، فرکانس 12597 مگاهرتز**

آدرس اینترنتی:

[www.sedayekargaran.com](http://www.sedayekargaran.com)

آدرس ایمیل:

[Sedaye\\_kargaran@yahoo.co.uk](mailto:Sedaye_kargaran@yahoo.co.uk)

مردم، هنوز آنقدر نبود که برای همیشه مهر پایان بر کلیه پست ها و مقامات انتصابی بزنند، ناچاراً راهپیمایی خود بسوی استقرار حقوق شهروندی را از تلاش برای مثلاً جدا کردن مجلس از حیطه تسلط شاه و سلطان آغاز نمودند. یعنی سعی کردند به موازات یک قوه اجرایی غیر انتخابی و مافوق مردم، در حوزه قانونگذاری موجبات دخالت شهروندان ( و البته در آن دوران، شهروندان مذکر و صاحب مالکیت) را فراهم نمایند. در رابطه با تشکیل قوه قضائیه و دادگستری نیز این مسئله گرچه در قیاس با دوران قبل ( مجازات بی محاکمه توسط حکومتیان) گامی به پیش بود، اما هنوز نشانی از دموکراسی ( یعنی انتخابی بودن) نداشت و در بسیاری از کشورها- حتی در حال حاضر- قوه قضائیه و قضات عموماً انتصابی و در بسیاری موارد مادام العمر محسوب می شوند. بنابراین تصمیم آرایش قوای سیاسی در آن دوران، به شرایط کنونی، یعنی شرایطی که هم سطح جنبش و هم عطش مردم، میل به انتخابی کردن همه پستهای مهم سه قوه دارد، اشتباه خواهد بود. از اینرو تأکید باید بر انتخابی بودن، دوره ای بودن و قابل عزل بودن کلیه پست های مهم سه قوه باشد و جدا بودن یا نبودن آنها ربطی به دموکراسی ندارد. مثلاً چه اشکالی دارد که به گفته کذاب خیمینی، " مجلس در رأس همه امور باشد!" یعنی مجلس نماینده گان مردم ( در مقیاس سراسری) مجالس ایالتی و شوراهای در حین قانونگذاری، آپارات اجرایی را نیز خود تعیین نموده و در واقع هم واضع قانون وهم مجری آن باشند.

عالیترین پست های قضایی نظیر: وزیر دادگستری، دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، شورای عالی قضایی و ... نیز توسط این مجلس و یا مستقیماً توسط آرای مردم انتخاب شوند؟ برای نمونه شورای شهر تهران ویا شورای روستای ایکنس، ضمن اینکه در حوزه اختیارات خود، دست به تدوین مقررات و آئین نامه میزند، در عین حال بر امر اجرای آنها از طریق انتخاب یک عامل اجرایی بنام شهردار یا دهدار می کوشند. در واقع چنین شوراهای شهری یا کمون های شهری حتی در برخی دموکراسیهای بورژوازی نیز وجود دارند. در برخی کشورها، قوه مجریه بخشی از آپارات قوه مقننه بوده و نخست وزیر و وزرا همزمان با پیشبرد امور دولتی ( اجرایی ) عضو مجلس قانونگذار هم محسوب شده، در جلسات آن شرکت نموده و دائماً در برابر نماینده گان ، پاسخگو هستند. مثلاً در کانادا و یا بریتانیا ما با چنین سیستمی روبرو هستیم، یعنی در این کشورها( که در وجود دموکراسی لیبرالی در آنها شککی نیست) قوه مجریه و مقننه تحت یک آپارات در هم ادغام شده اند. مشابه چنین ادغامی را ما در جریان انقلاب اکتبر 1917 روسیه نیز می بینیم که بعداً در برخی کشورهای دیگر نیز پیاده شده است. در چنین سیستمی " مجلس در رأس امور است!" به این ترتیب که از میان نماینده گان انتخابی شوراهای کارگری، دهقانی و سربازی، " کنگره سراسری شوراهای" تشکیل می شود. از دل این کنگره " کمیسیاریای خلق" ( کابینه دولت) انتخاب می شوند. بنابراین " کنگره " یا " شورای عالی" هم در نقش قانونگذار و هم در نقش مجری آن عمل می کند. تردیدی نیست که آن سیستم ( سیستم شوروی) را ایضاً نمیتوان در دنیای امروز پیاده کرد، مگر اینکه " حق رای همگانی" و " حقوق برابر همه شهروندان برای انتخاب شدن و انتخاب کردن" را به زیر سنوآل ببریم. از یکطرف نمیتوان کل جامعه را به سه حوزه : کارخانه، مزرعه و پادگان تقسیم کرد و از سویی نمیتوان نماینده گان مردم را صرفاً از تشکل های شورایی برگزید. چرا که بخشهای وسیعی از مردم ممکن است عضو هیچ شورایی نباشند و یا اصلاً اعتقادی به چنین تشکلی نداشته باشند. اما به هر رو ادغام قوای سه گانه حکومتی در یک جامعه آزاد و دموکراتیک قابل تصور است و عدم رعایت اصل " تفکیک قوا" به هیچوجه دموکراسی را نقض نمی کند.

بعلاوه امروزه در بسیار کشورهای سرمایه داری، ما با اشکال متفاوت دموکراسی لیبرالی روبرو هستیم. مثلاً در کشور سوئیس بسیار از امور کشوری و حتی پروژه های محلی از طریق " همه پرسی" ( نوعی دموکراسی مستقیم) حل و فصل می شود. در برخی کشورها، پارلمان نه تنها حق استیضاح دولت، بلکه حق انحلال کابینه را دارد. در برخی کشورهای دیگر، رئیس جمهور به تنهایی قادر به انحلال پارلمان و تعیین زمانی برای برگزاری انتخابات مجدد است. در برخی جمهوریها، ریاست جمهوری و دولت او گرچه دارای استقلال و قدرت زیادی هستند، اما موظفند در رابطه با مسائل مهم نظیر اعلام جنگ یا صلح، برقرار حالت

## دیدگاه

آیا " تجمع پاریس" میخواهد تجربه " همایش برلین" را تکرار کند؟!

= بحثی پیرامون ملزومات واقعی اتحاد جمهوریخواهان لائیک و دمکرات =  
قسمت سوم

## \* تابوی تفکیک قوا \*

دو گرایش " الف" و " ب" در پیش نویس سند سیاسی پیشنهادی جمهوریخواهان لائیک و دمکرات" تنها در زمینه مشخص کردن نوع جمهوری و اینکه باید به " پارلمانی" بودن آن اشاره شود ، نیست که اختلاف دارند، بلکه همچنین در رابطه با منوط کردن استقرار این جمهوری جایگزین به اصل " تفکیک قوای سه گانه ( مجریه، مقننه، قضائیه) نیز دو فرمولبندی متفاوت را طرح می کنند. " گرایش الف" در تعریف " جمهوری" در بخش " اصول و اهداف" بر مبتنی بودن این جمهوری بر اصل تفکیک قوا اصرار دارد ، حال آنکه " گرایش ب" بدلیل اختلافی که در این حوزه میان جمهوریخواهان چپ و راست وجود دارد، مخالف آوردن آن بوده و " استقرار یک جمهوری لائیک و دمکراتیک" را وافی و کافی میدانند. در واقع اگر قرار است نوع حکومت و نظام آینده را یک مجلس موسسان آزاد ( پس از برچیده شدن بساط جمهوری اسلامی) تعیین کند، دیگر وارد شدن در مورد جزئیات آن جمهوری لائیک و دمکراتیک، نه تنها در چهار چوب این " تجمع" ضرورتی ندارد، بلکه اصرار بر آن، به معنای این خواهد بود که جمهوریخواهان لیبرال از جمهوریخواهان رادیکال بخواهند که با صرف نظر کردن از عقاید و آلترناتیو خود، مستقیماً به زیر چتر آنها بیایند !!

اما آیا اصل تفکیک قوا جزئی جدایی ناپذیر از یک نظام مبتنی بر آزادی و دموکراسی است؟

لازم است این مسئله از جنبه های مختلف بررسی شود:

تردیدی نیست که در عصر انقلابات بورژوا- دمکراتیک در اروپا، اصل تفکیک قوا در کنار مقولاتی چون: آزادی، دموکراسی، حقوق شهروندی و جمهوریات مطرح شده و بر پرچم بسیاری از جنبش ها و انقلابات بورژوازی آن دوران ، حک گردیده بود. تا قبل از این دوران - یعنی در عصر یکه تازی شاهان و سلاطین- حکام کشور، اعم از شاهان، شاهزاده گان، فنودالها و یا منصوبان آنها، همزمان هم در نقش قانون گذار( اگر قانونی در کار بوده) هم در نقش مجری و هم در نقش قاضی و میر غضب ظاهر می شدند. مثلاً در بررسیهای تاریخی آمده که انقلاب مشروطیت ایران بدنبال یک واقعه ( شلاق خوردن چند تاجر تهران بدستور فرماندار پایتخت ) و با خواست ایجاد "عدالت خانه" شروع شد. سابق بر این حکام و مجریان، بدون نیاز به محاکمه متهمان در یک دادگاه ( یعنی بدون نیاز به دادگستری و قوه قضائیه) حکم مجری را صادر و اجرا میکردند.

کوییند بر اصل تفکیک قوا در آن دوران که شاه و یا منصوبان او " همه فن حریف" بودند، بدون شک مطالبه ای مترقی و گامی به پیش محسوب می شد. اما اجرای این اصل، لزوماً به معنای استقرار دموکراسی نیست. کمااینکه در بسیاری از کشورهای استبدادی، ظاهراً اصل تفکیک قوای سه گانه، رعایت می شود اما از آزادی و دموکراسی در آنها خبری نیست. بالعکس در برخی کشورهای مبتنی بر دموکراسی بورژوازی، این اصل، لاقول در ارتباط با رابطه قوه مجریه و قوه مقننه رعایت نمی شود که بعداً به آن بر میگردد.

دموکراسی موقعی جاری می شود که دست اندرکاران هر سه قوه انتخابی بوده و محصول رای مردم در انتخاباتهای آزاد و همگانی باشند. در عصر فروپاشی نظامات فنودالی، از آنجا که سطح جنبش و آگاهی

ادامه از صفحه 6

## آیا تجمع پاریس .....

فوق العاده، تصویب بودجه سالیانه و برنامه های دراز مدت اقتصادی و اجتماعی، تغییر قانون اساسی و غیره رأی مثبت پارلمان را داشته باشند. در این کشورها برخی از پست های کلیدی قوه قضائیه نیز توسط قوه مجریه تعیین می شوند مثلاً مقام " دادستان کل " ( آتورنی جنرال) در سیستم ریاست جمهوری آمریکا.

بنابراین چنانچه ملاحظه می کنیم، اثری از تفکیک کامل قوای سه گانه در بسیاری از حتی دموکراسیهای بورژوازی نیست و این کشورها بر خلاف " گرایش الف" طیف جمهوریخواهان لائیک و دمکرات، با مقوله " تفکیک قوا" همچون تاپویی مقدس و تخطی ناپذیر برخورد نمی کنند. آنچه امامقدس و تخطی ناپذیر باید تلقی شود، همانا مقولاتی چون: حقوق شهروندی برابر، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، انتخابی بودن کلیه پستهای مهم حکومتی و حق فراخوانی و عزل آنها هر زمان که شهروندان اراده کنند، آزادی بی قید و شرط اندیشه، بیان و تشکل و مقولاتی از این دست است.

با این همه کسی اصرار ندارد که گرایشاتی از طیف رنگارنگ مدافع جمهوری پارلمانی و دموکراسی لیبرالی، از اعتقاد خود مبنی بر "تفکیک قوای سه گانه" دست بکشند. آنها می توانند این پروژه خود را بعد از سرنگونی رژیم اسلامی و در جریان تدوین قانون اساسی و تعیین نوع نظام اجتماعی جایگزین در مجلس موسسان منتخب مردم، طرح نموده و در صورت برخورداری از حمایت اکثریت مردم، آنرا به کرسی بنشانند. اما اصرار بر آن در سند سیاسی مشترک جمهوریخواهان لائیک و دمکرات ( در حالی که بخش مهمی از جمهوریخواهان با مقوله " تفکیک قوا" مسئله دارند) عملی بیهوده محسوب می شود.

در همینجا بد نیست به یکی از مهمترین تناقضات سند سیاسی پیشنهادی، اشاره شود. این دوستان در بند " ج" از بخش " جهاتی از راهبرد سیاسی" می نویسند:

" گذار دموکراتیک به نظام جانشین مستلزم فراخوین مجلس موسسان است که منتخب همه مردم می باشد و بر مبنای انتخابات آزاد، رأی مخفی و همگانی و در شرایط آزادی کامل مطبوعات، رسانه های گروهی، احزاب و تشکلهای سیاسی تشکیل می گردد. مجلس موسسان نوع نظام آتی را تعیین و قانون اساسی آنرا تدوین کرده و به همه بررسی عمومی واگذار خواهد کرد."

اگر دوستان بر این اعتقاد نیکو پا بر جا هستند، آنگاه از چه رو در بخش " اصول و اهداف " در همین سند، اصرار دارند که با افزودن پسوندی چون "پارلمانی و تفکیک قوا" نوع این جمهوری و دموکراسی را مشخص کرده و آنرا به جمهوریخواهان چپ و رادیکال تحمیل نمایند و آنرا همچون یک " پرنسپ تفکیک ناپذیر" مبنای همکاریهای مشترک جمهوریخواهان لائیک و دمکرات قرار دهند؟!

سند سیاسی پیشنهادی، البته اشکالات و کمبودهای دیگری نیز دارد. مثلاً در هیچ جا گفته نمی شود که ما فقط خواهان جدایی دولت از دین نیستیم، بلکه با ادغام دولت با هر نوع ایدئولوژی ( حکومت ایدئولوژیک) نیز مخالفیم. و یا در بند " ب" از بخش "جهاتی از راهبرد سیاسی" گفته می شود که: " خواست و تلاش ما این است که رژیم جمهوری اسلامی به شیوه ای مسالمت آمیز و با مراجعه به آراء مردم تغییر یابد." البته در پایان " بند " با اشاره به ماده ای از اعلامیه جهانی حقوق بشر، " قیام علیه جباریت" توسط مردم را به عنوان آخرین راه چاره، برسمیت می شناسد. در این رابطه دو پرسش مطرح می شود: نخست اینکه اگر این تجمع به عدم امکان رسیدن به آزادی در چهار چوب این رژیم باور دارد واز برچیدن آن حمایت می کند، آنگاه چگونه است که میخواهد بامراجعه به آرای مردم این رژیم را تغییر دهد. طرح این مسئله بدین معنی خواهد بود که " تجمع" رسماً از تاکتیک طرفداران رفراندم در همین رژیم ( تحت نظارت سازمان ملل) دفاع می کند یعنی علیرغم نقد اولیه استحاله طلبان و اصلاح گرایان، این امکان را متصور می بیند که جمهوری اسلامی تن به برگزاری یک همه پرسی دهد و با گردن گذاشتن به نتیجه محتوم آن، به شکلی مسالمت آمیز، جای خود را به یک حکومت سکولار و دموکراتیک بدهد!!

بعلاوه این چگونه انتخابات یا همه پرسی خواهد بود که بدون آزادی بی قید و شرط اندیشه و بیان و آزادی احزاب، متحقق می شود؟ البته این شق محتمل است که رژیم ولایت فقیه نیز، مثل هر رژیم ضد مردمی دیگر، در آستانه سرنگونی، " صدای انقلاب مردم" را بشنود و جهت فرو نشاندن خیزش مردم و خریدن فرجه بقاء و تجدید آرایش برای خود، وعده یک همه پرسی یا انتخابات " آزاد" را سر دهد، در اینصورت دلیلی ندارد مردمی که رژیم را تا لبه پرتگاه هدایت کرده اند، دعوت به آرامش و بازگشت به خانه هایشان نمود و این فرصت طلایی را به امید یک همه پرسی و راه حل مسالمت آمیز، هدر داد!!

ثانیاً اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر نمی گفت که " قیام علیه جباریت" هم بعنوان آخرین راه چاره OK است آیا دوستان قصد نداشتند، هراس از مبارزه فرا قانونی و غیر مسالمت آمیز را رها کنند؟ به باور من کل فرمولبندی مربوطه باید به گونه ای نوشته شود که اولاً این توهم ایجاد نشود که گویا ما امید داریم که جمهوری اسلامی یک همه پرسی یا انتخابات آزاد برای تحویل مسالمت آمیز قدرت، ترتیب دهد. ثانیاً بجای برجسته کردن بی معنای مبارزه مسالمت آمیز، باید گفته شود که ما از همه اشکال گوناگون مبارزات مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی حمایت می کنیم، مبارزاتی که مسالمت یا غیر مسالمت آمیز بودن آنها، قبل از اینکه به مردم ربط داشته باشد، به نحوه واکنش رژیم در قبال جنبش ها و مطالبات عادلانه توده ها بستگی دارد.

ترجیح مردم، پیروزی بدون خونریزیست، اینرا اما اساسا ما تعیین نمی کنیم!

15 آوریل 2004

( ادامه دارد )

## با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگی

[arash.k@rahekgar.net](mailto:arash.k@rahekgar.net)

روابط عمومی سازمان

[netr.public@rahekgar.net](mailto:netr.public@rahekgar.net)

تلفن عمومی سازمان 49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان 33-1-43455804

سایت رادیو برابری

[www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekgar.net](http://www.rahekgar.net)

سایت اتحاد چپ کارگر

[www.etcadchap.com](http://www.etcadchap.com)

## دیدگاه

## نگاهی به پدیده های انقلاب و رفرم (3)

فرامرز دادور

## 2 - نگاهی به ماهیت تحولات سیاسی/اجتماعی در شرایط کنونی ایران، مسئله رفرم و یا انقلاب

در ادامه بحث، همانطور که در قسمت قبلی به وجود تفاوت‌های مهم بین جوامع باز و بسته پرداخته شد، در این بخش نظر بر این است که آنچه که در پیش روی جنبش چپ و کارگری ایران قرار دارد تا حدی با مشخصات اجتماعی در جوامع لیبرال (عمدتاً غرب) و برخی از کشورهای پیرامونی نسبتاً دمکراتیک فرق می‌کند. در بعضی از کشورها به خاطر وجود سطحی از آزادی‌های سیاسی، جنبش‌های مردمی فرصت سازمان‌دهی مبارزاتی یافته در فعالیت‌های دمکراتیک (ب.م. شرکت در انتخابات، تظاهرات، اعتصابات) به طور جدی حضور دارند که می‌توان برای نمونه به شرکت سازمان‌های چپ در پروسه‌ی انتخابات برزیل، السالوادور، افریقای جنوبی و هندوستان و یا به فعالیت‌های روزافزون جنبش‌های محلی، اعم از سازمان‌های کارگری، بومی، زنان، کشاورزان و مدافعین حفظ محیط زیست در برخی از کشورهای آسیای شرقی و امریکای لاتین (ب.م. اندونزی، فیلیپین، آرژانتین، بولیوی و مکزیک) اشاره نمود که برخی از آنها سطحی از سنگرهای آزادی و برابری را به تصرف درآورده و حتی به استقرار اشکالی از خود حکومتی مردمی (ب.م. منطقه‌ی چپ‌پس در مکزیک) موفق گشته‌اند. در واقع، به خاطر پیشرفت مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی توده‌های مردم در بخشی از جوامع توسعه یافته و امکان وجود زمینه‌های دمکراتیک‌تر در آنها، به جنبش‌های مردمی فرصت طرح برنامه‌های رفرمیستی و انقلابی را، حتی، در چارچوب نظام‌های حاکم سرمایه‌داری می‌دهد. به ویژه اینکه برای جنبش‌های سوسیالیستی در این مناطق، سمت‌گیری‌های مبارزاتی، عمدتاً حول محور تلفیقی از برنامه‌های برابرطلبی و عدالت‌جویی (عمدتاً رفرم‌های دمکراتیک) و استراتژی ضدسرمایه‌داری (در واقع انقلاب اجتماعی سوسیالیستی)، از پایه‌های وسیع‌تر مادی (مشارکت هر چه بیشتر پرولتاریا و توده‌های زحمتکش در مبارزات دمکراتیک و انقلابی) و فضای عمیق‌تر ذهنی (ارتقاء در آگاهی و شناخت توده‌های مردم از خواست‌ها و اعتراضات حق‌طلبانه خود) تغذیه می‌گردد.

در ایران نیز، بطور وضوح، به خاطر وجود خفقان سیاسی که ناشی از حکومت سرکوبگر و قرون وسطایی جمهوری اسلامی است، اهداف دمکراتیک مانند استقرار آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی (که چکیده‌ی آن در بیانیه‌ی حقوق بشر جهانی نهفته است)، بخشی از پروژه‌ی وسیع سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. مردم ایران در قرن بیستم و بخصوص در 26 سال گذشته تجربه کرده‌اند که با وجود نظام‌های استبدادی و توتوکراتیک به امکان انجام تحولات واقعی دمکراتیک و اصلاحات عمیق سیاسی/اجتماعی امید نیست و بجز از طریق یک دگرگونی رادیکال، یعنی وقوع یک انقلاب آزادی‌خواهانه و استقرار یک ساختار نوین دمکراتیک که حق انتخاب آزاد و مشارکت در امور سیاسی/اجتماعی را برای توده‌های مردم تضمین کند، بدیل سیاسی دیگری در پیش نیست.

از دیدگاه سوسیالیستی تنها بر مبنای یک دمکراسی واقعی است که مردم ایران و بخش اعظم آن یعنی پرولتاریا (کارگران، کارمندان، مزدبگیران، معلمان، زحمتکشان شهر و روستا، تهی‌دستان و سایر محرومان) فرصت خواهند داشت که به طور خلاق در سرنوشت عمومی جامعه دخالت موثر داشته باشند. منطق تاریخی حاکم بر ارزش‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه انسانی نشان می‌دهد که بر اساس ایجاد موازین و نهادهای دمکراتیک (برقراری یک جمهوری واقعی بر پایه‌ی قانون

اساسی دمکراتیک و مجمع‌های انتخابی سراسری و محلی) و در پروسه‌ی درگیری روزافزون عملی و فکری توده‌ها در مسایل سرنوشت‌ساز جامعه است که اندیشه‌ها و آلترناتیوهای مقطعی و استراتژیک سوسیالیستی (در جهت تحقق مناسباتی حاکی از وجود کنترل و مالکیت اجتماعی بر ابزار عمده‌ی تولید و صنایع کلیدی) جایگاه طبیعی خود را در ذهنیت‌های پویای پرولتاریا پیدا می‌کند. و اما در مورد ایران، سننوال اصلی این است که با توجه به شرایط سیاسی/اجتماعی و چگونگی آرایش جنبش مردم در مقابل ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانی، در مراحل قبل و بعد از انقلاب، آیا طرح چه نوع شعارها و مطالبات می‌تواند در پیشرفت به سوی دمکراسی و سوسیالیسم موثرتر عمل کند.

در ایران از اواسط 1370 به بعد طیف‌های معتدل‌تری از حکومت‌گران جمهوری اسلامی، با توجه به واقعیت جهانی شدن روزافزون سرمایه‌داری، و در حین اعتقاد به حفظ نظام موجود، انجام یکسری اصلاحات اقتصادی/اجتماعی و به تدریج سیاسی را در راستای حل بحران درونی (به ویژه در رابطه با مسئله مشروعیت رژیم) و رفع تشنج در مناسبات دیپلماتیک با اغلب کشورهای جهانی ضروری می‌دانسته‌اند. شخصیت محوری این حرکت واقع‌گرا و اصلاح‌طلبانه در درون رژیم محمد خاتمی بوده است که در انتخابات غیرآزاد 1376 و سپس 1380 از رقاب محافظه‌کارتر خود رای بیشتری بدست آورد و در 7 سال گذشته (به ویژه در سال‌های اول) به خاطر اتخاذ سیاست‌های ناروشن و متناقض باعث ایجاد توهم در میان بخشی از توده‌های مردم گردید. اما گذشت این دوره نیز نشان داد که خاتمی و اکثریت اصلاح‌طلبان حکومتی، همواره خواستار «حفظ جمهوری اسلامی به هر قیمت و با هر محتوا» بوده از عمیق‌تر شدن مطالبات آزادی‌خواهانه و گسترده‌ی جنبش مردم حول محور جدایی دین از حکومت هراس داشته، تداوم «استبداد را بر سلطه‌ی استعمار» ترجیح داده‌اند. و البته در زیر یوغ استبداد مذهبی بوده که در 25 سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از مذهب اسلام شیعه و به خاطر تداوم حکومت خود، همواره پایه‌ای‌ترین حقوق دمکراتیک مردم را پایمال نموده است. نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن که در همان ماه‌های اول انقلاب و در فضای حاکی از شور و احساسات اولیه مردم و به گفته‌ی هاشمی رفسنجانی، به اصرار خمینی و در مخالفت با پیشنهادات دیگر مثل «جمهوری دمکراتیک» و «جمهوری» به فراندوم گذاشته شد (اطلاعات بین‌الملل، 27 بهمن 1382، ص: 3)، حول موازین اسلامی به مردم ایران تحمیل شده است و حکومت‌گران فعلی که خواهان حفظ قدرت و مزایای اقتصادی/اجتماعی حاکی از آن، بهر قیمتی هستند تلاش می‌کنند که با استخراج کهن‌ترین و در عین حال خشن‌ترین ارزش‌ها و آداب متعلق به هزاران سال پیش شرایط خفقان و سرکوب را ادامه دهند.

از اوآن استقرار نظام جمهوری اسلامی، ایران شاهد فجایع بی‌شماری و از جمله جنگ بی‌پرونده‌ی 8 ساله با عراق بوده که به محو فیزیکی بیش از یک میلیون و مجروحیت میلیون‌ها انسان از هر دو کشور و ایجاد خسارات عظیم مالی و اجتماعی منجر شد. در سال‌های 60 هزاران نفر از ابوزیسیون و در میان آنها چپ‌ها، لیبرال‌ها، مذهبی‌ها و بسیاری از دگراندیشان از طرف این رژیم شکنجه و اعدام گردیدند. در سال‌های 70، نیز، ایران ناظر ادامه‌ی سیاست‌های ضد بشری و از جمله انجام قتل‌های زنجیره‌ای و توقیف مطبوعات مستقل و منتقد بوده است. در این سال‌ها شرایط اقتصادی توده‌های مردم بسیار وخیم‌تر گردیده است و یکی از دلایل عمده‌ی آن به خاطر پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی (خصوصی‌سازی/آزادسازی) است که برای طیف‌های میانی و معتدل‌تر حکومتی مثل رفسنجانی‌ها و خاتمی‌ها تنها راه برون رفت رژیم از بحران بسیار عمیق اجتماعی به حساب می‌آید. بر این اساس، برنامه‌هایی که هدف آن انداختن هر چه سریع‌تر اقتصاد مملکت در مجرای مناسبات سرمایه‌داری حاکم در جهان است و در آن راستا «ضرورت» پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) و اجرای نسخه‌های ضروری بین‌المللی پول و بانک جهانی تبلیغ می‌شود، نتیجه‌ای به جز حراج نمودن ثروت طبیعی (نفت و گاز، غیره) و سرمایه‌های بدست آمده از دسترنج کارگران و زحمتکشان شهر و روستا ندارد. پیشبرد سیاست تعدیل اقتصادی، یعنی سپردن موسسات دولتی به «خودها» (بوروکرات‌ها، سرمایه‌داران وابسته به رژیم) منجر



## نگاهی به پدیده های .....

به بی‌کاری و محرومیت برای میلیون‌ها نفر شده است و به گفته‌ی مسئولین رژیم بیش از 20 میلیون نفر (ولی آمار واقعی بالای 50 درصد است) در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اخیراً یکی از سیاست‌های فاجعه‌آمیز حکومت‌گران این است که پتروشیمی را که بخش عمده‌ی صنعت ملی را تشکیل می‌دهد، به حراج گذاشته‌اند و البته عجب نیست که در این رابطه اعتراضات کارگری شدت بیشتری بخود گرفته است.

برنامه‌ریزان اقتصادی در هر دو دوره‌ی ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی در پرتوی نیم نگاه خود به وجود ثبات نسبی در میان رژیم‌های خودکامه در آسیای شرقی مثل چین، سنگاپور و مالزی و در واقع با استفاده از تجربه‌ی «مدل چین»، خواهان حفظ «مدل اسلامی» (بخوان تفسیر خودکامه‌ی خود از اسلام) و «نهادهای بومی» (بخوان پارلمان تقریباً انتصابی، شورای نگهبان و سایر بنیادهای رژیم ساخته شده، از طریق اقتدارگرایی سیاسی، گرچه با تحمل برخی آزادی‌های فرهنگی/هنری سعی در تداوم حیات نظام را دارند. در واقع سیاست الحاق به مناسبات بین‌المللی اقتصادی و پذیرش موازین نئولیبرال دیکته شده از طرف سرمایه‌های جهانی، از طرف سیاست‌گزاران رژیم به عنوان مهمترین حربه برای حفظ نظام به خدمت گرفته شده است. اما، آنچه که از این نوع استراتژی، یعنی ترکیبی از لیبرالیسم اقتصادی و اقتدارگرایی سیاسی منوجه اکثریت مردم و به ویژه افشار کارگری/زحمتکش و محرومان جامعه شده است چیزی به جز فضایی آکنده از اختناق، سرکوب و فقر نیست. توده‌های مردم و حقوق‌بگیران جامعه از حقوق اولیه‌ی دموکراتیک و از جمله حق تجمع‌ها و تشکل‌های خود (ب.م. اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های سیاسی مستقل) محروم هستند و بسیاری از آنها در عین حال که بیمه و حق بی‌کاری ندارند، برای ماه‌ها و حتی سال‌ها مواجب و مزد خود را نیز دریافت نمی‌کنند. معضلات فاجعه‌آور کنونی مثل افزایش در فقر، جنایات، دزدی، اعتیاد و روسپی‌گری، در واقع عمدتاً به خاطر سیاست‌های ضد مردمی رژیم تشدید یافته‌اند.

و اما در این بین حکومت‌گران و طیف‌های «خودی» و از جمله بوروکرات‌ها، سرمایه‌داران وابسته و آفازده‌های آنها با تشکیل نهادهای ویژه خود مثل «انجمن کارفرمایان» و «اتحادیه کارفرمایان و اصناف بازاری»، با استفاده از قوه‌ی قضایی و باند‌های سرکوب به غارت ثروت طبیعی و تولید شده در جامعه مشغول هستند. آنها برای جلوگیری از اعتراضات حق‌طلبانه‌ی مردم، از طریق تبلیغات و کارزار فرهنگی/اجتماعی و با استفاده از جریان‌ها و نهادهای خودساخته مثل خانه کارگر، جبهه‌ی مشارکت و حزب کار اسلامی که ادعای دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان را دارند در جهت تلاش برای حفظ «مشروعیت» و پیشبرد منافع استراتژیک نظام گام برمی‌دارند. اینکه برخی از مسئولین خانه کارگر، اینجا و آنجا از سیاست‌های اقتصادی رژیم انتقاد می‌کنند و هر از گاهی برنامه‌های آزادسازی/خصوصی‌سازی را مورد حمله قرار می‌دهند حداقل از 2 عامل تغذیه می‌شود:

1\_ بهرحال، با توجه به افزایش بی‌کاری‌ها و تداوم تورم، این نهادها به خاطر حفظ بقایای «مشروعیت» خود می‌باید دعوی حمایت از حقوق‌بگیران و زحمتکشان را، نیز، به نمایش بگذارند و

2\_ پروژه‌های خصوصی‌سازی و روند سریع بی‌کاری باعث کاهش عضویت در این جریان‌ها و به خصوص خانه کارگر شده و به قدرت مالی و کنترل در میان مسئولین آنها صدمه می‌زند.

فراموش نکنیم که ایران نسخه‌های پیچیده شده از طرف صندوق بین‌المللی پول (IMF) را قبول کرده اصرار به پذیرش در سازمان تجارت جهانی (WTO) را دارد. در آن صورت به خاطر عدم استقرار واقعی حقوق کارگری و دموکراتیک، کمپانی‌های خارجی نیز، مثل برخی از سرمایه‌های داخلی از فضای آزادتر و راحت‌تری برای فعالیت و در واقع استثمار کارکنان، برخوردار می‌شوند.

در واقع آنچه که در ایران مثل برخی از جوامع توسعه‌یابنده و غیردمکراتیک دیگر می‌بینیم وجود رژیم است که با کنترل خودکامه‌ی خود مناسبات اقتصادی سرمایه‌داری جهانی را در کشور هموارتر می‌کند. منتهی، اگر در جوامع دموکراتیک‌تر مکانیسم بازار نقش بزرگتری داشته، روند استخراج ارزش و انباشت سرمایه و همراه آن تخصیص ثروت تولید شده از طرف پرولتاریا به صاحبان سرمایه و قدرتمندان حکومتی، با ظرافت مدرن خود به پیش می‌رود، در ایران، حکومت‌گران که منبع اصلی تولید درآمد یعنی صنعت نفت را در دست خود دارند با توسل به نهادهای سرکوب، به طور خشن‌تر و عریان‌تر به سازمان‌دهی تولید ثروت و ضبط بخش‌های عظیم آن برای نخبان دولتی و سرمایه‌های وابسته می‌پردازند. جای تعجب نیست که از اوایل موجودیت خود، سرکوب جنبش دموکراتیک در کل و سازمان‌های مدافع کارگران و توده‌های زحمتکش مردم، بالاخص، استراتژی اصلی این رژیم را تشکیل می‌دهد. اینکه در سال گذشته ایران با برخی از مواد مندرج در منشور سازمان بین‌المللی کار و حتی با ماده 87 آن که به کارگران حق تشکیل اتحادیه‌های مستقل خود را می‌دهد به طور تریبی موافقت کرده و علاوه بر آن در مجلس لایحه‌ی الحاق به کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض از زنان تصویب شده است، نشان دهنده این است که حکومت‌گران ضرورت حفظ ظاهر در صحنه جهانی را می‌بینند. در حالی که، واقعیت این است که نه فقط در ایران آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی برای مردم و از جمله کارگران و زنان وجود ندارد بلکه استقرار آن در چارچوب نظام جمهوری اسلامی غیرممکن می‌باشد. روشن است که در صورت وجود دموکراسی سیاسی و انتخابات واقعا آزاد نه فقط هیچ کدام از سران فعلی رژیم رای نخواهند آورد بلکه بلافاصله به دادگاه‌های مردم ایران برای اجرای عدالت احضار خواهند گردید. حکومت‌گران فعلی ایران بخوبی می‌دانند که هر نوع عقب‌نشینی جدی از طرف آنها که فضا را برای شرکت توده‌های مردم در امور سیاسی/اجتماعی باز کند به مثابه‌ی حکم پایان زندگی این رژیم بوده، حرکتی تعیین‌کننده در جهت وقوع یک انقلاب دموکراتیک سیاسی برای برقراری یک نظام مردمی بر پایه‌ی جمهوری لائیک می‌باشد.

و اما در رابطه با تحولات کنونی در ایران؛ موضوع عدم تأیید بیش از 2000 نفر از کاندیدها از طرف شورای نگهبان و در مقابل استعفا‌ی برخی از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس شرایط جدیدی بوجود آورده است. از مقطع 1376 به بعد شکاف سیاسی حاکمی از اختلافات جناحی، لاجرم، تأثیر خود را در جامعه گذاشت و جنبش مردم، هوشیارانه و با استفاده از گفتمان‌های طرح شده از طرف اصلاح‌طلبان حکومتی با صراحت بیشتری به دفاع از مطالبات دموکراتیک پرداخت. با اینکه، به طور مشخص هیچ یک از خواسته‌های حق‌طلبانه مردم هنوز جامعه‌ی عملی بخود نپوشیده است و حوادث اخیر در «انتخابات» اسفند ماه 1382، ظاهراً از نقطه‌ی پایانی اختلافات جدی سیاسی در درون رژیم و تمرکز قدرت در دست طیف تندرو و محافظ‌کار نوید می‌دهد، اما شکی نیست که در 26 سال گذشته و به ویژه در 7 سال اخیر سیر تحولات آزادی‌خواهانه در عرصه‌های فکری (ب.م. جمهوریت، دموکراسی، سکولاریسم و عدالت اقتصادی) و ساختاری (تشکیل نهادهای کمابیش مستقل فرهنگی/اجتماعی و از جمله انجمن‌های زنان، دانشجویان، نویسندگان) دو باره دینامیسم نسبتاً پوینده خود را در جامعه مدنی، افتان و خیزان بازیافته است. امروزه، اکثریت توده‌های مردم به این شناخت واقعی رسیده‌اند که نظام موجود و ترکیب فعلی، حکومت‌گران به هیچ‌وجه از توان ساختاری و ظرفیت اعتقادی برای جوابگویی به خواسته‌های واقعی مردم (آزادی، دموکراسی، جدایی دین از حکومت و عدالت اقتصادی) برخوردار نیست. برای مردم روشن شده است که خاتمی و اکثریت تکنوکرات‌های اطراف وی بر آن نیستند که کل نظام را به سود ایجاد یک انتخابات واقعا آزاد و استقرار یک نظام مردم‌سالار تغییر داده، جایگاه قدرت مربوط به همه‌ی طیف‌های حکومتی (و از جمله خودشان) را به خطر بیندازند.

( ادامه دارد )

عراقی ها از دستورات سرپیچی می کنند !

## هزینه انتقام !

گزارش: **Michael Wrase**  
برگردان آزاد: **علی یوسفی**

منبع: **روزنامه آلمانی زبان " تاگ بلات "**

**ادامه عملیات انتقام جویانه آمریکا در فلوجه به احتمال زیاد به متحد شدن عراقی ها خواهد انجامید .**  
**در عملیات ارتش آمریکا در این شهر حداقل 600 نفر کشته شدند . اکنون بی آن که یکی از طرفین نزاع قصد داشته باشد چهره خود را از دست بدهد ، مذاکرات آتش بس در جریان است .**

سروان "برنان بای مه " تردیدی ندارد که 95 % از مردانی که در درگیریهای فلوجه کشته شده اند ، از شورشیان بوده اند . وی با غروری بی وصف می گوید: " آموزش نظامی سربازان نیروی دریایی آمریکا ، در چگونگی استفاده از مهمات ، بسیار حساب شده و دقیق است . اینکه در فلوجه 600 نفر کشته شده اند خود به تنهایی نشان می دهد که نیروی دریایی چقدر در کارش مهارت دارد . "

رئیس بیمارستان دولتی فلوجه ، "رافی ال اساوی " با آماری که روز دوشنبه ، 11 آپریل ، ارائه داد ، خلاف این را می گوید . بر اساس این آمار حداقل 500 نفر از کشته شدگان این شهر افراد غیر نظامی عراقی بوده اند . فرمانده کل ارتش آمریکا در عراق ، "مارک کیم میت " ، اما ارقامی چنین بالا را تنها " تبلیغات محلی " توصیف کرده و معتقد است که از سوی " فرستنده تبلیغاتی دشمن " ، تلویزیون الجزیره ، پخش شده است . گفتنی است که فرستنده مذکور طی روزهای اخیر تصاویری از سردخانه فلوجه به نمایش گذاشت که در آنها نه تنها درصد بالایی کشته شدگان غیرنظامی عیان بود ، بلکه مشخصا نشان می داد که بسیاری از آنان زنان و کودکان بوده اند .

انتقام خونین ؟

بر اساس گزارشات منتشره از سوی روزنامه های عراقی ، به احتمال زیاد ، نیروهای کنسرن بزرگ امنیتی " بلاک واتر " ، که چهار همکار مقاطعه کار آنان 17 روز قبل به شکل فجیحی در فلوجه به قتل رسیدند ، مستقیما در اقدامات تلافی جویانه اخیر شرکت داشته اند . آمریکایی ها این ادعا را رد کرده اند . گفته می شود که در عملیات " انتقام جویانه ، تنبیهی " روزهای اخیر ارتش آمریکا در فلوجه ، نیروهای این شرکت ، بخصوص ، انتقام خون همقطاران خود را با خشونت بی سابقه ای گرفته اند . سخن از راه اندازی " حمام خون " می رود . اینکه نیروهای اشغالگر آمریکایی آشکارا و غالبا پارا " فراتر از اهداف تعیین شده " نهاده اند ، حتی از سوی افسران انگلیسی نیز تأیید شده است . روزنامه " تلگراف " چاپ لندن به نقل از یکی از فرمانده هان بلند پایه انگلیسی در بصره می نویسد: " به نظر ما اقدامات خشونت بار آمریکایی ها با هیچ معیاری قابل اندازه گیری نیست . مردم عراق از نظر سربازان آمریکایی ( برخلاف ما ) تنها انسانهای پست محسوب می شوند . "

طرز رفتار خشونت بار نیروهای اشغالگر آمریکا حتی خلق و خوی شورای حکومتی عراق را نیز به چالش گرفته است . یک وزیر عراقی در زمینه حقوق بشر همین آخر هفته گذشته از سمت خود کناره گیری کرد . وزرای دیگری نیز تهدید به استعفاء کرده اند . در این میان ، خصوصا ، انتقادات " عدنان پاچی شی " بسیار شدید و قابل بررسی بود . قرار است وی بعنوان رئیس دولت آتی عراق معرفی گردد . عدنان 80 ساله و سنی است . خبرها حاکی از آنست که او در یک گفتگوی رودرو با پل برمر خواهان " پایان فوری " عملیات انتقام جویانه در فلوجه شده است . همزمان وی تهدید کرد در غیر این صورت از مقام خود استعفاء خواهد داد . آنگونه که از بغداد خبر می رسد ، گویا تنها پس از این تهدیدات بود که ارتش آمریکا به فراخوان آتش بس و اکتش نشان داده و به قبول مذاکرات حول آن تن در داد .

در مذاکرات جاری حول آتش بس به نظر می رسد که هیچیک از طرفین نزاع در صدد نیست چهره اش خدشه دار گردد . شورشیان بر درخواست خود مبنی بر خروج فوری ارتش آمریکا از فلوجه تأکید دارند و تهدید به ادامه گروگانگیری خارجیان کرده اند . از سوی دیگر مسلم است که آمریکایی ها نیز به چنین فشارهایی تن ندهند . بنابراین ادامه اقدامات تلافی جویانه و تنبیهی از سوی ارتش آمریکا احتمالا به سقوط شورای حکومتی عراق ، که قرار است از اول ژولای 04 ، رسما کار خود را آغاز کند ، خواهد انجامید . همچنین با ادامه اینگونه اقدامات حتی ممکن است شورش آشکاری را در " ارتش جدید التاسیس عراق " ، که از سوی آمریکایی ها تعلیم دیده اند ، را نیز شاهد باشیم . در همین عملیات های اخیر یک گروهان 620 نفری از همین ارتش ، که قرار بود شانه به شانه آنها در فلوجه بجنگد ، از همان نیمه راه ، با توضیح اینکه " ما به ارتش نیپوستیم که مردم عراق را بکشیم " ، عقب کشیدند . پلیس عراق نیز در حال سرپیچی از دستورات است . روزنامه "واشننگتن پست " به نقل از یک ژنرال ارتش آمریکا به نام "پاول ایلتون " می نویسد: " 25 % از آنان یا وظایف خود را انجام نمی دهند و یا اینکه جبهه خود را عوض کرده اند . "

